

اثربخشی گروه - درمانی چند خانواده‌ای متمرکز بر هدف، بر ایجاد سبک فکری هدفمند در نوجوانان سال آخر دبیرستانهای دولتی شهر بجنورد*

♦ زهرا ودادیان^۱ ♦ دکتر حمیدرضا آقامحمدیان^۲ ♦ دکتر حسین کارشکی^۳

چکیده:

هدف پژوهش حاضر، بررسی اثربخشی گروه - درمانی مبتنی بر هدف، بر ایجاد سبک فکری هدفمند در نوجوانان سال آخر دبیرستان بوده است. پژوهش از نوع کاربردی و جامعه آماری آن همه دانش آموزان دختر سال آخر دبیرستانهای دولتی شهر بجنورد بودند. نمونه پژوهش شامل ۳۴ دانش آموز داوطلب شرکت در طرح پژوهشی بود. آزمودنیها در سه گروه مداخله، مداخله نما و کنترل به تصادف جایگزین شدند و از طریق مصاحبه نیمه ساخت یافته هدف در جوان (۲۰۰۶)، در سه مقطع پیش آزمون، پس آزمون و پیگیری مورد ارزیابی قرار گرفتند. آزمودنیهای گروه آزمایش در معرض طرح مداخله ای ده جلسه ای گروه - درمانی چندخانواده ای متمرکز بر هدف قرار گرفتند و آزمودنیهای گروه مداخله نما در ده جلسه گروهی بدون دریافت مداخله شرکت کردند. داده های حاصل از مصاحبه با روشهای آمار توصیفی و مشخصه آماری خی دو مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان داد که گروه - درمانی چندخانواده ای با تمرکز بر هدف، با بهره گیری از نیروی درونی خانواده ها و جهت دهی سبک ارتباطی والد - نوجوان، می تواند به طور مؤثری به ایجاد سبک فکری هدفمند در نوجوان بینجامد. در حالی که آزمودنیهای گروه مداخله نما با اینکه به دلیل حضور در جلسات گروهی، کاهش جزئی در تعارض با والدین خود را تجربه کرده بودند، اما این تغییر به حدی نبود که سبک فکری آنها را متأثر سازد و آزمودنیهای گروه کنترل نیز تغییری در روابط خانوادگی یا سبک فکری خود نشان ندادند.

کلید واژگان: گروه - درمانی چندخانواده ای، هدفمندی، نوجوان

© تاریخ دریافت: ۹۷/۱۱/۳۰

© تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۰۱

* این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول است.

vedadian.z@gmail.com

۱. دانشجوی دکتری تخصصی روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد.

aghamohammadian@um.ac.ir

۲. (نویسنده مسئول) استاد گروه روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد.

kareshki@um.ac.ir

۳. دانشیار گروه مشاوره و علوم تربیتی، دانشگاه فردوسی مشهد.

مقدمه

عدم تعهد به شغل و خانواده و زندگی، شرایطی نیست که جوان از بودن در آن خشنود باشد، زیرا بودن در این وضعیت برای او هزینه دارد و این هزینه، عدم سلامت روانشناختی و رضایت از زندگی و حس خوشبختی است. جوان امروز آگاه است که چیزی را گم کرده است، خلأ آن را احساس می‌کند و این حس تهی بودن در مقاومتهای، تفریحات پرهیاهو، پرخاشگریها، ترسها و استرسها، مخالفت جوییها، خشمها، کسالتها و حتی بی‌تفاوتیهای او نمایان است (بروان، منگلسدورف، آگاتن و هو، ۲۰۰۸؛ ابسسوتانی، برنشتاین، مارتینز، کورپیتا و ویس، ۲۰۱۱؛ موران، ۲۰۱۶).

چیزی که جوان در پی آن است، نقش و جایگاهش در زندگی و جهان هستی است. چیزی که جوان گم کرده، حس هدفمندی است (می، ۱۹۵۳؛ ترجمه مهدی ثریا، ۱۳۸۷). هدفمندی پاسخ به نگرانیهای غایی^۵ فرد است، زیربنای هدفها و انگیزه‌های آنی و روزمره اوست. هدفمندی، نقطه پایان نیست بلکه مسیری است که هدفهای^۶ کوچک و بزرگ را در خود جا می‌دهد و انگیزه حرکت به سمت آنها را ایجاد می‌کند (می، ۱۹۶۹؛ ترجمه سپیده حبیب، ۱۳۹۳).

درباره تعریف، اهمیت و جایگاه هدفمندی و دستیابی به یکپارچگی شخصی^۷ در زندگی جوان امروز می‌توان هزاران صفحه نوشت و مقالات بسیاری برای اثبات، ضمیمه آن توضیحات کرد (برای مثال شوته، زیمرمان و کولر^۸، ۲۰۱۷؛ پیانکوا، باسکیوا، چرتکوا و پارشیکوا^۹، ۲۰۱۶؛ حیدری، کثیری، اسلامی، علیدوستی، خسروی و هاشمی، ۱۳۹۲؛ طهماسب، قربانی و پورحسین، ۱۳۸۵؛ کثیری، علیدوستی، حیدری، محمدی، عباسی و هاشمی، ۱۳۹۴؛ لورینو، لوریرو، فریرا و سورو^{۱۰}، ۲۰۱۶)، اما به واقع منبع این هدفمندی کجاست و چگونه باید به آن دست یافت؟ متأسفانه در میان این پژوهشها، برنامه روشن و رهنمودهای طبقه‌بندی شده وجود ندارد که توضیح دهد یک جوان چگونه می‌تواند از سردرگمیهایش رها شود و به صورتی هدفمند، برای زندگی خود برنامه‌ریزی کند.

دیمون^{۱۱} (۲۰۰۸)، یکی از نظریه‌پردازان در زمینه رشد است که به‌صورت اختصاصی به این مهم پرداخته و عوامل مؤثر بر هدفمندی را به صورت فهرستی از مؤثرترین تا کم‌اثرترین زمینه‌های

1. Brown, Mangelsdorf, Agathen & Ho
2. Ebsesutani, Bernstein, Martinez, Chorpita & Weisz
3. Moran
4. May
5. Ultimate concerns
6. Goals
7. Personal integrity
8. Schütte, Zimmermann & Köller
9. Pyankova, Baskaeva, Chertkova, & Parshikova
10. Lourinho, Loureiro, Ferreira & Severo
11. Damon

شکل گیری حس تعهد نسبت به زندگی در جوان ارائه کرده است. در این فهرست، خانواده و شغل و تحصیلات آکادمیک بالاترین جایگاه و امور سیاسی - اجتماعی پایین ترین مرتبه را به خود اختصاص داده اند. دیمون در کتاب خود تحت عنوان «مسیری به سوی هدف: چگونه به کودکان کمک کنیم تا به آرمان خود در زندگی دست یابند؟»^۱ اظهار می دارد که هویت فرد در دهه های اول زندگی در ارتباطات و تعاملات او با افراد مهم زندگی اش شکل می گیرد. از این رو همه آنچه در لحظاتی که در حال برقراری ارتباط با اطرافیان است و حتی جملات منفی و مثبتی که آنها اظهار می دارند، می تواند روی مسیر او در زندگی تأثیرگذار باشد (دیمون، ۲۰۰۸). والدین می توانند با برقراری ارتباط صحیح با فرزندان خود و هدایت آنها در جهت کشف علائق و ایده های جدید و توجه کردن به بارقه های ضعیف هدف و پرورش و گسترش آنها در میان انتخابها و فرصتهای روزمره زندگی، او را به سمت هدفمندی سوق دهند (کوئلو و رومائو،^۲ ۲۰۱۷؛ مالین، رابلی، کوئین و موران،^۳ ۲۰۱۴). آنها می توانند به فرزندان خود کمک کنند تا از میان گزینه هایی که دارند، آنهایی را انتخاب کنند که دربرگیرنده استعدادهای نهفته و علائق آنها و سازگار با نیازهایشان باشند.

والدین با برجسته ساختن فرصتهای متعدد روزمره برای فرزند خود و تبدیل این فرصتها به چالشها، حس تعهد و مسئولیت را در وی برمی انگیزند و به او کمک می کنند تا جایگاه خود را در جهان بیابد و نقش خود را در سبک زندگی و نحوه گذران اوقاتش درک کند (شاما و مکتاویش،^۴ ۲۰۱۸). هنگامی که فرد بتواند موقعیت خود را در دنیای پیرامونش تشخیص دهد و تأثیری را که بر آن می گذارد و تأثیری را که می تواند بر آن داشته باشد تمیز دهد، به حس هدفمندی دست می یابد که راهنمای او برای تصمیم گیری و واکنش او به شرایط روزمره و به طور کلی به دنیا است (دی آراووزو، آرانچس، کلاین و گراندینو،^۵ ۲۰۱۶؛ ماریانو،^۶ ۲۰۱۴).

پژوهش حاضر درصدد است با به کارگیری عنصر آموزش و فرایند گروهی برای کنترل کردن نیروهای خانواده ها به عملکرد کارآمدتر در زمینه تعاملات والد - فرزند دست یابد و در نتیجه، زمینه دستیابی نوجوان را به حس هدفمندی و به تبع آن، ارتقای سلامت روانی و رفتاری وی فراهم آورد. با توجه به شکست درمانهای فردی (شلف، دیاموند، دیاموند و لیدل،^۷ ۲۰۰۵) در حوزه نوجوان و کارآیی محدود درمانهای گروهی متشکل از نوجوانان در درمان مشکلات حوزه نوجوانی (لازر، نیکوترا و جنسون،^۸

1. The path to purpose: Helping our children find their calling in life?
2. Coelho & Romão
3. Malin, Reilly, Quinn & Moran
4. Shamah & MacTavish
5. de Araújo, Arantes, Klein, & Grandino
6. Mariano
7. Shelef, Diamond, Diamond & Liddle
8. Laser, Nicotera & Jensen

۲۰۱۰؛ شولمان^۱، ۲۰۱۷) و تأکید درمانگران این عصر بر بهره‌گیری از نیروی پویای تعاملات درون خانواده برای حل مسائل این دوره (لیو، نی و وانگ^۲، ۲۰۱۷)، گروه - درمانی با چندخانواده می‌تواند روشی مناسب برای ارائه پروتکل مداخله‌ای^۳ مبتنی بر مفهوم هدفمندی در جهت پیشگیری از بروز آسیبهای بالینی در وی باشد.

گروه - درمانی با چند خانواده^۴ کیفیت درمانی منحصربه‌فردی است که در آن، دو یا چند خانواده در یک اتاق به همراه درمانگر آموزش‌دیده گرد هم می‌آیند و مداخلات روانی-اجتماعی هدفمند و منظمی را به کار می‌برند (لیو، فانگ^۵، یان^۶، چو^۷، یوان^۸، لان^۹ و لیو^{۱۰}، ۲۰۱۵). جلسه‌ها صریحاً یا تلویحاً بر الگوهای تعاملی میان خانواده‌ها تمرکز دارند و در آنها از اتحاد درمانی بالقوه یا حقیقی میان خانواده‌ها که برپایه شباهتهای جنسی، مشکل مطرح شده یا نقشهای خانوادگی ایجاد شده است، استفاده می‌شود (ادواردز^{۱۱}، ۲۰۰۱). به دلیل ترکیب متفاوت این رویکرد با درمانهای سنتی، به سبب قابلیت‌های الگوسازی^{۱۱}، یادگیری قیاسی^{۱۲}، تفسیری، تشخیصی، یادگیری از طریق آزمون و خطا و درک رمزهای درون خانوادگی^{۱۳}، فضایی را برای خانواده‌ها فراهم می‌آورد تا تعاملات جدیدی را در درون و بیرون از خانواده مرکزی خود شکل دهند، توانمندیهای خود را بیابند، نگرانیهای خود را مطرح سازند و همزمان از حمایت اعضای دیگر گروه که در موقعیتی مشابه قرار دارند برخوردار شوند (ودادیان و قنبری هاشم آبادی، ۱۳۹۴).

ایدهٔ درمان چند خانواده به‌طور همزمان در گروه را نخستین بار در دهه ۱۹۵۰ پیتز لکور^{۱۴} و همکارانش مطرح کردند. بعد از آنها بسیاری از پژوهشگران حوزهٔ کار با خانواده در موقعیتهای مختلف درمانی این روش را به کار بردند. گروه - درمانی با چند خانواده یک رویکرد ساختارمند روانشناختی برای درمان است که عناصر آموزش و فرایند گروهی را برای کنترل کردن نیروهای یکایک اعضای خانواده و خانواده‌ها به منزلهٔ زیرگروهها برای دستیابی به توانایی حل بهتر مسئله و افزایش عملکرد گروه به مثابه یک کل، با هم ترکیب می‌کند. زیرگروههای والدین، فرزندان و والد-فرزندی در گروه به خانواده‌ها کمک

1. Shulman
2. Liu, Nie & Wang
3. Interventional protocol
4. Multiple Family Group Therapy (MFGT)
5. Fang
6. Yan
7. Zhou
8. Yuan
9. Lan
10. Edvards
11. Modeling
12. Deductive learning
13. Intrafamily symbols
14. Peter Laqueur

می کنند تا دفاعها در گروه کاهش یابند و فرصت استفاده از مزایای منحصر به فرد گروه و خانواده برای خانواده ها فراهم آید (ودادیان و قنبری هاشم آبادی، ۱۳۹۴).

یافته های پژوهشی مؤید تأثیر این روش بر اختلالهای درونی سازی (توماسیوویچ و تاروگینسکی^۱، ۲۰۱۷) و برونی سازی دوره نوجوانی است. برای مثال، شیفر^۲ (۲۰۰۸) این روش را در درمان نوجوانان معتاد به الکل و مواد مخدر به کار برده و نتایج مثبت درمانی آن را گزارش کرده است. کنترل^۳ و همکاران (۲۰۱۶)، این رویکرد را در کمک به نوجوانان با مشکلات جسمی مزمن برای مدیریت شرایط در جهت برنامه ریزیهای بعدی برای زندگی خود مؤثر یافته اند. شاموی، شونین، بردشا و هیز^۴ (۲۰۱۷) نیز تأثیر مثبت این روش مداخله ای را در کار با مشکلات برون ریزی نوجوانان گزارش کرده اند. ودادیان، قنبری هاشم آبادی و مشهدی (۱۳۹۰) این رویکرد را برای کاهش پر خاشگری و حل تعارضات والد - نوجوان در دوره دوم نوجوانی روی دختران ۱۳-۱۴ ساله اجرا و اثربخشی آن را در بهبود روابط والد - نوجوان و کاهش اعمال پر خاشگرانه و افزایش تمایل نوجوان به بیان خواسته ها و تلاش کلامی برای اخذ تأیید والدین در نوجوانان گزارش کرده اند.

با توجه به اهمیت بحث هدفداری در رشد مثبت نوجوان و کارآیی رویکرد گروه - درمانی با چند خانواده، پژوهش حاضر در نظر دارد تأثیر این روش را در ترکیب با مفهوم هدفمندی، بر ایجاد سبک فکری هدفمند در نوجوان بیازماید.

■ روش پژوهش

روش مطالعه حاضر، کاربردی، از نوع نیمه آزمایشی، با گروه گواه و انتصاب تصادفی است. جامعه آماری پژوهش همه دانش آموزان دختر سال آخر دبیرستانهای دولتی شهر بجنورد بودند که دعوتنامه شرکت در طرح پژوهشی را دریافت کردند. این گروه سنی به این دلیل انتخاب شدند که اولاً آزمودنی باید به سطحی از پختگی شناختی رسیده باشد که بتواند گزینه ها و انتخابهای خود را بررسی کند و ثانیاً، باید در مقطعی از زندگی خود قرار داشته باشد که هنوز فرصت کافی برای محک محدودیتها و امکانات موجود خود در تصمیم گیری درباره آنها را داشته باشد. از میان دانش آموزان داوطلب، ۳۴ دانش آموز که واجد شرایط شرکت در طرح پژوهش بودند (محدوده سنی ۱۷/۵ تا ۱۸/۵ سال، قرار نداشتن آزمودنیها در سطوح هدفداری کامل و بی هدفی که نیازمند مداخله درمانی فراتر از ارتقای سبک فکری است، برخورداری خانواده از سطح اقتصادی متوسط یا بالاتر، عدم وجود تعارضات میان - فردی شدید و اختلالات روانشناختی جدی در خانواده، تمایل هر دو والد به حضور در

1. Tomasiewicz & Tauroginski
2. Schaefer
3. Cottrell
4. Shumway, Schonian, Bradshaw & Hayes

طرح پژوهشی)، انتخاب شدند. از میان دانش‌آموزان، ۱۲ دانش‌آموز به همراه والدین خود در گروه آزمایش، ۱۲ دانش‌آموز به همراه والدین خود در گروه مداخله‌نما و ۱۰ دانش‌آموز در فهرست انتظار درمان به‌طور تصادفی جایگزین شدند. شرکت‌کنندگان در گروه آزمایش در معرض پروتکل مداخله‌ای گروه - درمانی چندخانواده‌ای متمرکز بر هدف (تدوین شده از سوی ودادیان، آقامحمدیان و کارشکی، ۱۳۹۷) قرار گرفتند و در سه کارگاه روانی - آموزشی هفتگی سه ساعتی و ده جلسه‌ای گروه - درمانی چندخانواده‌ای متمرکز بر هدف طی ده هفته شرکت کردند. اعضای گروه مداخله‌نما صرفاً شرایط گروهی چندخانواده‌ای را در ده جلسه تجربه کردند و هیچ مداخله‌ای برای آنها اجرا نشد. اعضای گروه کنترل نیز در فهرست منتظر درمان قرار گرفتند. پیش و پس از جلسات و سه ماه پس از پایان گروه - درمانی، از نوجوانان در هر سه گروه مصاحبه به عمل آمد.

جدول ۱. پروتکل درمانی گروه آزمایش

فرایند	هدف	تعداد جلسات
جلسه مقدماتی پیش از تشکیل گروه	جلسه توجیهی با والدین	۱
	جلسه توجیهی با نوجوانان	۱
کارگاه آموزشی (آموزش روانی)	والدین	۱ - آموزش مهارت برقراری ارتباط مؤثر
		۱ - آموزش والدگری هدفمند
		۱ - آموزش مهارت‌های حل مسئله و مدیریت تعارض
	نوجوان	۱ - آموزش مهارت‌های حل مسئله و گوش دادن فعال
درمان	۱ - اتحاد درمانی	
	۱ - بیان اهداف و معانی زندگی و احساسهای والدین	
	۱ - بیان علائق و آرزوهای نوجوان	
	۱ - پیگیری علائق نوجوان از سوی والدین	
	۱ - درگیر شدن والدین در حوزه‌های علاقه فرزندان خود	
	۱ - شناخت توانمندیهای عملی و ذهنی نوجوان	
	۱ - ارائه حمایت روانی از جانب والدین	
	۲ - فضا سازی برای ارائه ایده‌ها	
	۱ - جمع‌بندی و پایان کار	

■ ابزار پژوهش

● **مصاحبه هدفداری در جوان^۱:** این مصاحبه را تیم تحقیقاتی پروفیسور ویلیام دیمون برای تعیین هدفداری جوان و نقش و تأثیر این هدف در شکل‌دهی فعالیتهای روزمره او در مرکز پژوهشهای نوجوان در دانشگاه استنفورد^۲ تهیه کرده‌اند (باندیک، اندروز، جونز، ماریانو، برانک و دیمون^۳، ۲۰۰۶). این مصاحبه، یک مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته است که براساس نظریه‌های ادراک خود و رشد هویت، به‌منظور ترسیم وضعیت آزمودنیها برای طبقه‌بندی آنها در شرایط فعلی به کار برده می‌شود. پرسشهای این مصاحبه از پرسشنامه معنای زندگی^۴ (استاگر، فریژر، اویشی و کالر^۵، ۲۰۰۶) و زمینه‌یابی که درباره هدف در نوجوان صورت پذیرفته است (مالین، رایلی، یاگر^۶، موران، اندروز، باندیک و دامون، ۲۰۰۸) استخراج شده‌اند.

پرسشهای متمرکز بر احساس فرد درباره هدفداری است. جوان تاجه حد با هدفی درگیر است یا در تلاش برای یافتن آن یا تحقق بخشیدن به آن است و این هدف تا چه اندازه در زندگی روزمره او، مسیری را که می‌پیماید و انتخابهایی را که برمی‌گزیند، تعیین کننده است. باید توجه داشت که این مصاحبه به‌خلاف مصاحبه‌های انگیزشی، در پی تعیین هدف یا جهت‌دهی نوجوان در آن مسیر نیست و صرفاً موقعیت وی را در زمینه هدف به تصویر می‌کشد. گروه هدف در این مصاحبه نوجوانان ۱۳ تا ۲۳ سال است (مالین و همکاران، ۲۰۱۴).

پرسشها در چهار حوزه جای گرفته‌اند: ۱. هدف داشتن یا نداشتن؛ ۲. طبقه‌بندی هدفهای شناخته شده؛ ۳. میزان درگیری امور روزمره با هدف؛ و ۴. میزان زمانی که در زندگی روزمره صرف آن هدف می‌شود (دیمون، منون^۷ و برانک، ۲۰۰۳). تمرکز پرسشها بررسی کشف چگونگی انتخاب هدف و اصالت^۸ آن است. اصالت هدف بیان می‌دارد که در انتخاب هدف تا چه میزان خود فرد و علایق و ارزشها و باورهایش دخیل اند و تاجه میزان این هدف از بیرون گرفته شده است. این امر در میزان زمانی مشخص است که فرد صرف دستیابی به هدف می‌کند و تعداد فعالیتهایی که به هدف او بستگی دارند. تجزیه و تحلیل این مصاحبه در چهار گام صورت می‌پذیرد: (۱) مقیاس هدف؛ (۲) مقیاس طبقه‌بندی هدف؛ (۳) مقیاس مشارکت فعال^۹؛ و (۴) مقیاس الهام بخشی^{۱۰}. در پایان مصاحبه، براساس

1. Youth Purpose Survey
2. Stanford Center of Adolescence
3. Bundick, Andrews, Jones, Mariano, Bronk & Damon
4. Meaning in Life Questionnaire
5. Steger, Frazier, Oishi, & Kaler
6. Yeager
7. Menon
8. Authenticity
9. Active involvement
10. Driver

اطلاعات به‌دست آمده در بالا و فرمول‌بندی عملی مصاحبه فرد در یکی از سطوح زیر قرار می‌گیرد:

الف) بدون هدف^۱

ب) هدفداران^۲ که شامل یکی از طبقات زیرند:

۱. رویاپردازان^۳؛ ۲. تکانشیها^۴؛ ۳. رباتها^۵؛ و ۴. هدفمندها^۶.

در زمینه هر بخش، اعتبار و پایایی هر مجموعه سؤال را سازندگان آزمون به‌طور جداگانه تعیین کرده و در طیفی میان ۰/۷۰ تا ۰/۹۲ گسترده‌اند (استاگر و همکاران، ۲۰۰۶). اعتبار محتوایی این آزمون برای حصول به داده‌های موردنظر، خیلی خوب گزارش شده است. پایایی بازآزمایی سؤالات این آزمون، ۰/۸۵ است (موران، ۲۰۰۹). مطالعات انجام شده روی این مصاحبه نشان می‌دهند که این ابزار، بخوبی قادر به ترسیم شکل‌گیری و رشد هدف در نوجوان و توصیف ویژگیهای جوانان هدفمند است (برانک، فینچ^۷ و تالیب^۸، ۲۰۱۰). این مصاحبه تاکنون در ایران مورد استفاده پژوهشگران قرار نگرفته است. اعتبار محتوایی و انطباق فرهنگی سؤالات مصاحبه با فرهنگ ایرانی را نخستین بار نگارنده این مقاله در پژوهشی دیگر انجام داده و سؤالات را با سطح اعتبار قابل قبول در دامنه‌ای از ۰/۶۳ تا ۰/۸۱ مورد استفاده قرار داده است. پایایی بازآزمایی این مصاحبه نیز روی ۲۵ دانش آموز در فاصله زمانی ۴۰ روز، با روش تکرارپذیری ۰/۸۴ و با روش فرمهای موازی ۰/۸۷ به‌دست آمده است (ودادیان، آقامحمدیان و کارشکی، ۱۳۹۷).

■ یافته‌های پژوهش

به‌منظور بررسی فرضیه پژوهشی در زمینه ایجاد سبک فکری هدفمند در گروه آزمایش، نسبت به دو گروه دیگر، در مصاحبه هدفداری جوان (YPS) از آزمون کای اسکوتر برای مقایسه سه گروه، استفاده شده است. از آنجا که داده‌های مصاحبه، از نوع اسمی بودند، امکان بررسی عامل زمان و مقایسه گروهها در سه مقطع ارزیابی، به‌صورت همزمان وجود نداشت، از این رو داده‌های حاصل از مصاحبه در دو مقطع ارزیابی پس‌آزمون و پیگیری برای بررسی تأثیر پروتکل مداخله‌ای، در سه گروه، به کمک مشخصه آمار ناپارامتریک، مورد مقایسه قرار گرفتند. داده‌های پیش‌آزمون به‌عنوان خط پایه در جدول ۱ ارائه شده‌اند. همچنین برای تعیین میزان تغییرات در هر گروه در فواصل زمانی ارزیابی، سه مرحله پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری با یکدیگر مقایسه شده‌اند.

1. Aimless
2. Those how have the goal
3. Dreamers
4. Dabbling or Drifting

۵. در متن انگلیسی این گروه تحت عنوان (self-goal) آورده شده است. در این پژوهش برای ایجاد درک روشن‌تر از این گروه، عبارت ربات جایگزین شده است.

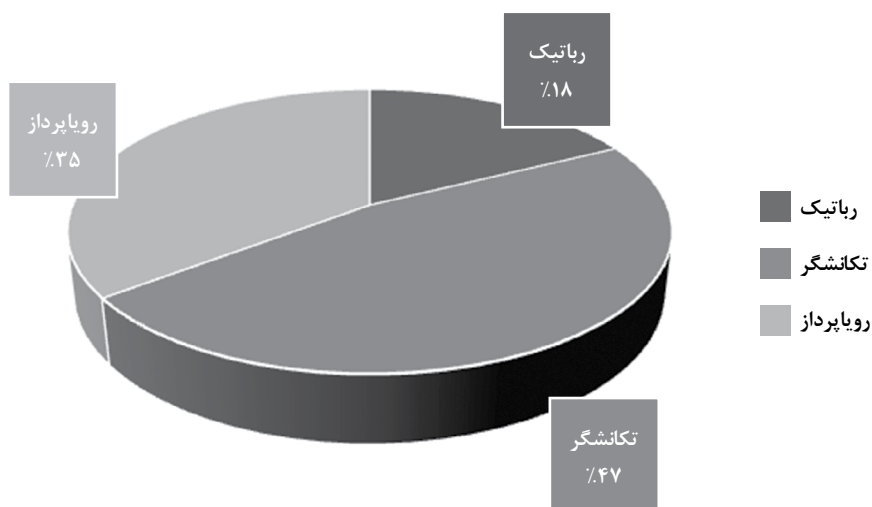
6. Purposeful
7. Finch
8. Talib

جدول ۲. مقایسه سه گروه آزمایش، کنترل و مداخله نما در پیش آزمون برای متغیر هدف

متغیر	فراوانی طبقات در گروهها			مقدار خی ^۲	معناداری	η
	آزمایش	مداخله نما	کنترل			
هدفداری	رباتیک	۲	۲	۰/۳۹۰	۰/۹۸۳	۰/۰۸۶
	رویاپرداز	۵	۴	۳		
	تکانشگر	۵	۶	۵		

$P < ۰/۰۵^*$

مقدار کای اسکوئر در جدول ۲ با سطح اطمینان ۰/۹۵ با در نظر گرفتن خطای $P = ۰/۰۵$ و اندازه اثر ۰/۰۸۶، معنادار نشده است که نشان می دهد، درباره متغیر هدفداری، میان سه گروه در پیش آزمون، تفاوت معنادار وجود ندارد و پراکندگی فراوانی طبقات هدفداری در گروهها مشابه است. برای بررسی دیداری وضعیت هدفداری آزمودنیها در پژوهش، درصد فراوانی آزمودنیها در طبقات در نمودار ۱ نشان داده شده است.



نمودار ۱. الگوی هدفداری در شرکت کنندگان پژوهش

همان طور که در نمودار ۱ دیده می شود، بیشترین فراوانی آزمودنیها در طبقه تکانشگر قرار دارد که با تصمیم گیرهای آنی و عاطفی مشخص اند و بعد از آن، طبقه رویاپرداز قرار دارد، شامل نوجوانانی که

آرزوها و خواسته‌های زیاد و بزرگی دارند، اما برای دستیابی به آنها برنامه‌ریزی ندارند و متعهد به اعمال و انتخابهای مشخصی نیستند.

داده‌های کدگذاری شده حاصل از مصاحبه هدفداری در جوان، پس از ارائه مداخله به گروه آزمایش و پس از پیگیری دوماهه در جدول ۳ آمده است. فراوانی طبقات هدف در سه گروه در دو مقطع ارزیابی نشان می‌دهد که پروتکل مداخله‌ای مبتنی بر هدف به‌خوبی توانسته است مفهوم هدفداری را برای آزمودنیهای گروه آزمایش تبیین کند و آنها را در مسیر تفکر و رفتار هدفمند قرار دهد. درحالی‌که این تغییر در گروههای مداخله‌نما و کنترل دیده نمی‌شود.

گروه کنترل هیچ‌گونه تغییری را در حوزه رفتاری یا فکری درمورد مفهوم هدف و هدفمندی در مراحل پس‌آزمون و پیگیری تجربه نکرده است. احتمال می‌رود که تغییر فراوانی مشاهده شده در مرحله پیش‌آزمون نسبت به دو مرحله بعدی در گروه کنترل، تحت تأثیر مصاحبه هدفداری باشد. نوجوانان در گروه مداخله‌نما نیز در مقایسه با گروه آزمایش، نتوانسته‌اند در مسیر هدفمندی قرار بگیرند. تعاملات درون - گروهی منجر به خروج کامل آزمودنیها از طبقه رباتیک شده است که پایدار نبوده و پیگیری سه ماهه، شاهد بازگشت آنها به طبقه رباتیک است.

آزمون تفاوت فراوانیهای گروههای آزمایش، کنترل و ششم کنترل در دو مقطع ارزیابی پس‌آزمون ($\chi^2=23/65$, $P=0/01$, $\eta=0/85$) و پیگیری ($\chi^2=36/83$, $P=0/01$, $\eta=0/93$) نیز مؤید تأثیر گروه - درمانی مبتنی بر هدف در گروه آزمایش است. همان‌گونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود این تفاوت با اندازه اثر $0/85$ در پس‌آزمون و $0/93$ در پیگیری، با بیشتر از $0/99$ اطمینان، به لحاظ آماری معنادار است.

جدول ۳. مقایسه سه گروه آزمایش، کنترل و مداخله‌نما در پس‌آزمون

مقطع ارزیابی	طبقه هدف	فراوانی طبقات در گروهها			مقدار χ^2	معناداری	η
		آزمایش	مداخله‌نما	کنترل			
پس‌آزمون	رباتیک	۰	۰	۱	۳۲/۶۵	۰/۰۰۰۱	۰/۸۵
	رویاپرداز	۱	۶	۶			
	تکانشگر	۱	۶	۳			
	هدفمند	۱۰	۰	۰			
پیگیری سه ماهه	رباتیک	۰	۵	۱	۳۶/۸۳	۰/۰۰۰۱	۰/۹۳
	رویاپرداز	۰	۳	۶			
	تکانشگر	۱	۴	۳			
	هدفمند	۱۱	۰	۰			

بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر، بررسی اثربخشی پروتکل مداخله‌ای متمرکز بر هدف، در ایجاد سبک فکری هدفمند در نوجوان بود. گروه - درمانی چندخانواده‌ای، ترکیبی از گروه - درمانی و خانواده - درمانی است که مزایای هر دو رویکرد را همزمان در خود دارد. این رویکرد با آزادسازی پویاییهای خانواده‌ها در فضایی گروهی، بدون غرق شدن در زمینه خانواده‌گی، اعضای خانواده را قادر می‌سازد تا در محیطی امن، بدون نگرانی درباره پاسخگویی به چالشها و بدون ترس از درگیر شدن در پیامدها، مشکلات خود را در آینه خانواده‌های دیگر مورد بررسی قرار دهند و راههای احتمالی حل مشکلات خود را به محک آزمون بگذارند (کنترل و همکاران، ۲۰۱۷). گروه - درمانی با چند خانواده تاکنون در حوزه‌های گوناگون مشکلات نوجوانان مورد بررسی قرار گرفته و اثربخشی آن در شرایط بالینی به اثبات رسیده است. پژوهش حاضر با ایجاد فضای گروهی برای خانواده‌ها به بررسی تأثیر این روش بر شرایط پیشگیری از اختلال، یعنی هدفمندسازی نوجوانان پرداخته است.

نتایج به‌دست آمده نشان داد که ارائه پروتکل مبتنی بر هدف، موجب افزایش معنادار تمایل به هدفداری در نوجوانان شرکت‌کننده در گروه آزمایش نسبت به نوجوانان در گروه مداخله‌نما و کنترل شده است. گروه کنترل که شرایط مداخله اصلی یا شرایط گروه - درمانی با چند خانواده بدون ارائه پروتکل مداخله‌ای یا آموزشی را تجربه نکرده بودند، در پاسخهای خود به سؤالات مصاحبه در سه مقطع ارزیابی، تفاوت دیدگاهی نسبت به هدفداری ابراز نکرده‌اند، درحالی که تفاوت نوع نگاه نوجوانان در گروه شش‌کنترل و به‌ویژه گروه آزمایش، مشهود است که بیانگر قدرت این رویکرد در ایجاد تغییر در سبک فکری نوجوان در راستای هدفمندی است.

تعاملات درون - گروهی در روش گروه درمانی چندخانواده‌ای به سبب قابلیت الگوسازی و ایجاد شرایط یادگیری قیاسی (ایسلر^۱، ۲۰۰۵)، فضایی را به نوجوان داده تا از پذیرش بی‌قید و شرط آنچه به او القا شده است، خارج شود و درمورد علائق و خواسته‌های خود بیندیشد. این تغییر مؤید نتایج پژوهشهای بسیاری است که در حوزه گروه - درمانی چندخانواده‌ای، فضای تعاملی منحصربه‌فرد گروه را به‌منزله یکی از مزایای این روش گزارش می‌کنند (هیوستس^۲ و همکاران، ۲۰۱۷؛ ساناهوئا و سوارز^۳، ۲۰۱۶). خانواده‌ها در گروه، شرایط تعارض آمیز مشابه شرایط خود را مشاهده می‌کنند و از آن می‌آموزند. برای مثال، پدر در یک خانواده، با دیدن رفتارهای مشابه پدرهای دیگر در خانواده‌های دیگر، می‌تواند از نقطه نظر فرد ثالث، رفتار خود را مشاهده کند و درمورد آن بیندیشد. همچنین، در گروه، این فرصت فراهم است که اعضا، تفسیرها را به‌صورت

1. Eisler
2. Huestis
3. Sanahuja & Suarez

غیرمستقیم و در خطاب به دیگر خانواده‌ها دریافت کنند و مطالب درونی‌شده را جایگزین رفتارهای قبلی خود کنند (شیفر، ۲۰۰۸).

اما این تغییر در آزمودنیهای گروه شم‌کنترل، به دلیل اینکه با هدایت درمانگر تحت قاعده‌های خاص گروه - درمانی چندخانواده‌ای و با تأکید بر هدف و موضوع مداخله‌ای، پیش نرفته و صرفاً ناشی از تعاملات درون - گروهی بود، پایدار نبود و در مرحله پیگیری مشاهده نمی‌شود. به‌عکس، در مرحله پیگیری در گروه مداخله‌نما، شاهد افزایش تعداد آزمودنیها در حالت رباتیک هستیم که شاهدهی است بر تأثیر این روش بر تعاملات و نشان‌دهنده آن است که با اینکه تعاملات، هدایت‌شده نبوده و در جهت هدفداری نوجوان پیش نرفته و خواسته‌ها و استعدادها نوجوانان را برای خود آنها برجسته نساخته است، اما توانسته رابطه میان والدین و فرزندان را تا حدی بهبود بخشد که عقاید و نظرات والدین برای نوجوان بیش از گذشته اهمیت پیدا کند.

این یافته منطبق بر یافته‌های مطالعه تحلیل دلفی ادواردز (۲۰۰۱) در زمینه کیفیت تعاملات درون - گروهی در روش گروه - درمانی با چند خانواده است. ماهیت این رویکرد، افزایش ارتباطات درون - خانوادگی و توجه بیشتر خانواده‌ها به سلامت هیجانی اعضای خانواده خود را فراهم می‌آورد.

در گروه آزمایش به عکس گروههای مداخله‌نما و کنترل، شاهد تغییر موضعگیری هدف در نوجوانان از سه حالت قبلی به شرایط تفکر هدفمندیم. نوجوانان در گروه آزمایش در پیش‌آزمون، مانند دیگر نوجوانان در گروههای مداخله‌نما و کنترل در شرایط هدفداری قرار داشته‌اند، اما این هدفداری یا بدون دغدغهای برای کشف علائق و استعدادها درونی، تحت تأثیر القاءات بیرونی و عقده‌های شخصی بوده و صرفاً به‌صورت مسیر زندگی مشخص و برنامه‌ریزی شده پذیرفته شده است (رباتیک)، یا بدون تفکر و تعمق در مسئله هدف و مسیر زندگی، به‌صورت تکانشی و ناپایدار و تحت تأثیر هیجانات مثبت و منفی عمل کرده است (تکانشگر) و یا به شکل رویاپردازیهایی غیرواقع‌گرایانه، صرفاً در ذهن فرد چرخیده و آنقدر ایده‌آل‌گرایانه بوده که ظرفیت تبدیل شدن به عمل را نداشته است (رویاپرداز)؛ در حالی که پس از تشکیل گروه و ارائه پروتکل مداخله‌ای مبتنی بر هدف، مشاهده می‌شود که نوجوانان به حالت بالاتر هدف، یعنی تفکر هدفمند دست یافته‌اند.

مطالعات انجام شده در حوزه هدفداری از این نتیجه حمایت می‌کنند. مارتلا^۱ و استگر (۲۰۱۶) در همین زمینه اظهار می‌دارند که هدف، مقصد خودسازماندهی شده و محور اصلی در زندگی است که مقاصد کوچک را برمی‌انگیزد، به فرد مسیر حرکت می‌دهد، رفتار را مدیریت می‌کند، نسبت به آینده اشتیاق می‌آفریند و به کارهای روزانه، حس ارزشمندی و معناداری می‌بخشد. این اظهارنظر، هماهنگ با تعریف دیمون (۲۰۰۸) از هدف به‌عنوان پاسخ پایدار و گسترده فرد به چرایی اعمال و

نقش او در دنیای پیرامون خود است.

نتیجه‌ای که در مصاحبه نوجوانان گروه آزمایش در مقطع پس‌آزمون و پیگیری مشاهده شد همسو بود با نتایج مطالعه مالین، بلارد^۱ و دیمون (۲۰۱۵) که هدفمندی را ویژگی سطح بالا در نظر گرفته‌اند که زمینه بروز هدفهای جزئی در زندگی را فراهم می‌آورد. هدف بر چیزی فراتر از خواسته‌ها و مقاصد موقت و شخصی دلالت دارد، از فرد فراتر می‌رود و در دنیای پیرامون وی تأثیر می‌گذارد. همچنین، این یافته، در مطالعه موران (۲۰۱۶) که هدف را به‌صورت موضوعی محوری برای تمامیت فردی گزارش می‌کند، تأیید می‌شود. هدف، نقطه پایان نیست، بلکه مسیری است سرشار از مقاصد جزئی که همواره باید به آنها دست یافت. به بیان دیگر، هدف چارچوبی است که الگوی رفتاری نظام‌مندی را برای انجام دادن فعالیت‌های روزانه و صرف انرژی و زمان به فرد می‌دهد. پژوهش حاضر فرصتی منحصربه‌فرد را برای والدین فراهم آورد تا در یک محیط کنترل شده، سبک تعاملی جدیدی را با تمرکز بر مفهوم هدف به اجرا گذارند و تأثیر رفتار هدایت شده خود را بر سبک فکری نوجوان خود مشاهده کنند اما این فرصت منحصر به دختران و در محدوده غیر بالینی به اجرا درآمده که می‌توان در پژوهشهای آتی به هر دو جنس و در موقعیتهای بالینی نیز گسترش و اثربخشی آن را مورد ارزیابی قرار داد. ابزار به کار رفته در این مطالعه، به دلیل اهمیت مؤلفه‌های مفهوم هدفمندی مورد نظر پژوهشگران و همچنین تأکید ایشان بر بررسی دقیق محتوای پاسخهای آزمودنیها، مصاحبه نیمه‌ساخت یافته هدف در جوان بود که برون داد نهایی آن ایجاب می‌کرد از مشخصه آماری ناپارامتریک برای تحلیل داده‌ها استفاده شود. در پژوهشهای آتی می‌توان با بهره‌گیری از ابزارهای کمی، دقت مقایسه میان گروههای خود را افزایش داد و از قدرت مشخصه‌های پارامتریک در بررسی داده‌ها استفاده کرد.

- حیدری سورشجانی، سعید؛ کثیری دولت آبادی، نیره؛ اسلامی، احمدعلی؛ علیدوستی، معصومه؛ خسروی، فرزین و هاشمی، فاطمه. (۱۳۹۲). مقایسه خودپنداره و رفتار در نوجوانان بدون سابقه کیفری با نوجوانان بزهکار. *مجله دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد*، ۱۵، ۳۲-۴۰.
- طهماسب، علیرضا؛ قربانی، نیما و پورحسین، رضا. (۱۳۸۵). خودشناسی انفکاک و انسجامی: رابطه خودشناسی با پنج عامل بزرگ شخصیت. *روانشناسی و علوم تربیتی*، ۳۶ (۱ و ۲)، ۵۷-۷۶.
- کثیری، نیره؛ علیدوستی، معصومه؛ حیدری سورشجانی، سعید؛ محمدی، سمیه؛ عباسی، محمد هادی و هاشمی، فاطمه. (۱۳۹۴). مقایسه خودآیداهال، خود واقعی و خود بایسته در نوجوانان با و بدون سابقه کیفری. *اصول بهداشت روانی*، ۱۷ (۳)، ۱۴۴-۱۵۰.
- می، رولو. (۱۳۸۷). *انسان در جستجوی خویشتن*، ترجمه مهدی ثریا. تهران: دانژه. (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی ۱۹۵۳).
- _____ (۱۳۹۳). *عشق و اراده*، ترجمه سپیده حبیب. تهران: دانژه. (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی ۱۹۶۹).
- ودادیان، زهرا؛ آقامحمدیان شریاف، حمیدرضا و کارشکی، حسین. (۱۳۹۷). *تدوین و اعتبارسنجی پروتکل مداخله‌ای گروه درمانی با چندخانواده با تمرکز بر سبک والدگری هدفمند*. چهارمین همایش بین المللی افقهای نوین در علوم تربیتی، روانشناسی و آسیب‌های اجتماعی، تهران، ایران، ۳۲-۳۸.
- ودادیان، زهرا و قنبری هاشم آبادی، بهرام علی. (۱۳۹۳). *نوجوان و خانواده: نگاهی نوین به روان درمانی نوجوان*. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- ودادیان، زهرا؛ قنبری هاشم آبادی، بهرام علی و مشهدی، علی. (۱۳۹۰). بررسی اثربخشی گروه درمانی چندخانواده‌ای بر حل تعارضات والدین و فرزندان و کاهش پرخاشگری نوجوانان دختر ۱۴ و ۱۵ ساله شهر مشهد. *فصلنامه مطالعات روانشناسی بالینی*، ۱ (۴)، ۱۹-۴۱.

- Bronk, K. C., Finch, W. H., & Talib, T. L. (2010). Purpose in life among high ability adolescents. *High Ability Studies*, 21(2), 133-145.
- Brown, G. L., Mangelsdorf, S. C., Agathen, J. M., & Ho, M.-H. (2008). Young children's psychological selves: Convergence with material reports of child personality. *Social Development*, 17(1), 161-182.
- Bundick, M., Andrews, M., Jones, A., Mariano, J. M., Bronk, K. C., & Damon, W. (2006). *Revised Youth Purpose Survey*. Stanford, CA: Stanford Center of Adolescence.
- Coelho, V. A., & Romão, A. M. (2017). The impact of secondary school treatment on self-concept and self-esteem. *Revista de Psicodidáctica*, 22(2), 85-92.
- Cottrell, D., Wright-Hughes, A., Collinson, M., Boston, P., Eisler, I., Fortune, S., ... Farrin, A. (2016). Effectiveness of systematic family therapy versus treatment as usual young people after self-harm: A pragmatic, phase 3, multicentre, randomised controlled trial. *Family Therapy*, 5(3), 203-216.
- Damon, W. (2008). *The path to purpose: Helping our children find their calling in life*. New York: The Free Press.
- Damon, W., Menon, J., & Bronk, K. C. (2003). The development of purpose during adolescence. *Applied Developmental Science*, 7(3), 119-128.

de Araújo, U. F., Arantes, V. A., Klein, A. M. & Grandino, P. J. (2014). Youth purpose and life goals of students engaged in community and social activities. *Revista Internacional d'Humanitats*, 30, 119-128.

Ebsesutani, C., Bernstein, A., Martinez, J. I., Chorpita, B. F., & Weisz, J. R. (2011). The youth self-report: Applicability and validity across younger and older youths. *Journal of Clinical Child and Adolescent Psychology*, 40(2), 338-346.

Edwards, S. A. (2001). *The essential elements of multi family group therapy: A delphi study*. (Unpublished doctoral dissertation). Virginia Polytechnic Institute and State University.

Eisler, I. (2005). The empirical and theoretical base of family therapy and multiple family day therapy for adolescent anorexia nervosa. *Journal of Family Therapy*, 27(2), 104-131.

Huestis, S. E., Kao, G., Dunn, A., Hillirad, A. T., Yoon, I. A., Golianu, B., & Bhandari, R. P. (2017). Multi-family pediatric pain group therapy: Capturing acceptance and cultivating chang. *Children*, 4(12), 106. doi: 10.3390/children4120106.

Laser, J. A., Nicotera, N., & Jensen, J. M. (2010). *Working with adolescents: A guide for practitioners*. US: Guilford Press.

Liu, J., Nie, J. & Wang, Y. (2017). Effects of group counseling programs, cognitive behavioral therapy, and sports intervention on Internet addiction in East Asia: A systematic review and meta-analysis. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 14(12), 1470.

Liu, Q. X., Fang, X. Y., Yan, N., Zhou, Z. K., Yuan, X. J., Lan, J., & Liu, C. Y. (2015). Multi-family group therapy for adolescent Internet addiction: Exploring the underlying mechanisms. *Addictive Behaviors*, 42, 1-8.

Lourinho, I. L., Loureiro, E., Ferreira, M. A., & Severo, M. (2016). Self-concept and obsessive-compulsiveness as moderators of anxiety and depression: A Portuguese prospective study. *Porto Biomedical Journal*, 1(1), 36-39.

Malin, H., Ballard, P. J., & Damon, W. (2015). Civic purpose: An integrated construct for understanding civic development in adolescence. *Human Development*, 58(2), 103-130.

Malin, H., Reilly, T.S., Quinn, B., & Moran, S. (2014). Adolescent purpose development: Exploring empathy, discovering roles, shifting priorities and creating pathways. *Research of Adolescence*, 24(1), 186-199.

Malin, H., Reilly, T.S., Yeager, D., Moran, S., Andrews, M., Bundick, M., & Damon, W. (2008). *Interview coding process for statuses of purpose determination*. Stanford: Stanford Center on Adolescence.

Mariano, J. M. (2014). Understanding paths to youth purpose: Why content and contexts matter. *Applied Developmental Science*, 18(3), 139-147.

Martela, F. & Steger, M. F. (2016). The three meanings of meaning in life: Distinguishing coherence, purpose and significance. *Positive Psychology*, 11(5), 531-545.

Moran, S. (2009). *Purpose: Giftedness in intrapersonal intelligence*. *High Ability Studies*, 20(2), 143-159.

_____. (2016). What do teachers think about youth purpose? *Education for Teaching*, 42(5), 582-601.

Pyakova, S. D., Baskaeva, O. V., Chertkova, Y. D., & Parshikova, O. V. (2016). Relationships between intelligence and self-concept parameters in children. *Social and Behavioral Sciences*, 233, 362-366.

- Sanahuja, C., & Suarez, A. (2016). The importance of multiple-family group therapy in treatment of psychosomatic pathology. *European Psychiatry*, 33(S1), S358-S359.
- Schaefer, G. (2008). Multiple family group therapy in a drug and alcohol rehabilitation center: Resident's experiences. *Australian and New Zealand Journal of Family Therapy*, 29(2), 88-96.
- Schütte, K., Zimmermann, F., & Köller, O. (2017). The role of domain-specific ability self-concepts in the value students attach to school. *Learning and Individual Differences*, 56, 136-142.
- Shamah, D., & MacTavish, K. A. (2018). Purpose and perceptions of family social location among rural youth. *Youth and Society*, 50(1), 26-48.
- Shelef, K., Diamond, G. M., Diamond, G. S., & Liddle, H. A. (2005). Adolescent and parent alliance and treatment outcome in multidimensional family therapy. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 73(4), 689-698.
- Shumway, T., Schonian, S., Bradshaw, S., & Hayes, N. D. (2017). A revised multifamily group curriculum: The need for family member recovery from addiction. *Journal of Groups in Addiction and Recovery*, 12(4), 260-283.
- Steger, M. F., Frazier, P., Oishi, S., & Kaler, M. (2006). The meaning in life questionnaire: Assessing the presence of and search for meaning in life. *Journal of Counseling Psychology*, 53(1), 80-93.
- Tomasiewicz, A. K., & Tauroginski, B. (2017). Multi-family therapy: A new method of working with families. *Psychotherapia*, 3(182), 31-41.